

به سبک دانشجوی

ماهنامه‌ی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی
بسیج دانشجویی پایگاه پزشکی

شماره سوم،
مهر ۱۳۹۴

پای درس نهج البلاغه مهارت های دانشجویی

«علیرضا پیوندی

بگیرم اما فرصت را از دست داده بودم. حتماً برای شما هم کمابیش این اتفاق افتاده است. به خصوص برای آن دسته از کسانی که خجالتی هستند یا فکر می‌کنند در دل دیگران تحقیر می‌شوند. فکری که فقط یک نوع بیماری است و خدا می‌داند با این ترس‌هایی که جز پشیمانی نتیجه‌ای ندارد چه فرصت‌هایی را در طول عمر از دست می‌دهیم.

آن شاء الله زیارت قبر مولایمان امیرالمؤمنین روزی همه ما شود. وقتی از سمت چپ وارد ایوان طلا می‌شوید، بالای سردر ورودی، بخشی از حکمت ۸۲ نهج البلاغه را نوشته که از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین حکمت‌هاست. در این حکمت امام، به پنج چیز سفارش می‌کند و می‌فرماید: اگر کسی سفرهای طولانی و پررنج کند تا به این پنج چیز دست یابد، کار شایسته‌ای انجام داده است. چهارمین سفارش حضرت این گونه است: **وَلَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ**. هیچ کس نباید از آموختن چیزی که آن را نمی‌داند حیا کند.

عبارت «لَا يَسْتَحِينُ» با تأکید بیان شده است و علامت آن نون مشدّد است. حال که امام و مولای من این گونه امر کرده است و خودم نیز به خوبی دریافتم که نپرسیدن و خجالت کشیدن جز ضرر نتیجه‌ای ندارد، زمان آن نیست که با راحتی و اعتماد به نفس پرسش خود را مطرح کنم؟ فقط این نکته را همیشه به یاد دارم با دقت داشتن نسبت به درس در کلاس، سؤالی نپرسم که دست‌مایه خنده دیگران شود اگر ما واقعا شیعه آن بزرگ مرد هستیم باید به رهنمون‌های او نیز توجه کنیم

درس استاد خیلی جذاب بود. حقیقتاً نوع بیان مطالب توسط استاد باعث شده بود تا هر دانشجوی علاقه‌مند به درس خواندن با تمام توجه به سخنان استاد گوش کند. با این وجود هرچقدر هم استاد خوب توضیح دهد، در ذهن دانشجویان سؤالاتی پیش می‌آید. من هم سؤالاتی داشتم که دوست داشتم با پرسیدن آن‌ها یادگیری خود را کامل کنم. تنها به دنبال فرصتی بودم تا بتوانم پرسش خود را مطرح کنم تا اینکه استاد گفت: خوب، سؤالی نیست؟ اما حیف که تا کسی سؤالی نپرسد جرأت پرسیدن ندارم. هیچ کس دست خود را بالا نبرد و من هم حساسی با خودم کلنجار رفتم اما به جای آن که سؤالم را مطرح کنم، با این توجیه که همه درس را فهمیده‌اند، نپرس که نشان ندهی نفهمیده‌ای و یا بعد کلاس خصوصی به طور مفصل می‌پرسم و ... از پرسیدن سؤال خودداری کردم.

این بار هم مثل همیشه فقط پشیمانی بود که برایم باقی ماند. مخصوصاً زمانی که فهمیدم عمده‌ی دانشجویانی که سؤال نپرسیده‌اند، اصلاً چنین سؤالی به ذهنشان نرسیده و جوابش را هم نمی‌دانند. در حالی که من فکر می‌کردم آن‌ها این قدر عمیق فکر می‌کنند که این سؤال در نظرشان مسخره است!

این تنها بار نبود. در کلاس‌های متعدّد این اتفاق تکرار شده است. دانشگاه هم تنها جایی نیست که این موضوع پیش می‌آید. بارها شده که می‌توانستم از فردی که مثلاً برای تعمیر چیزی و یا برخی کارهای کامپیوتری به خانه‌ی ما آمده بود، خیلی چیزها یاد

«پای درس
نهج البلاغه
«نصف پرس
شیش کباب
«غدير:

ایستگاه آخر
«باتلاقی به
نام سوریه ۳

دراو کراین
چه می گذرد؟

«می خواهند
شما را از
آینتان
برگردانند،
اگر ...

غدير
ایستگاه آخر

«امیررضا جوشنی»

واقعۀ غدیر خم چیزی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند و این به خاطر تواتر ذکر آن در کتب مختلف شیعه و سنی و همچنین آیات الهی مربوطه است. ((الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی)) ((یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته)) و ... گوشه ای از این آیات شریفه است. در کتاب شریف الغدیر ۱۱۰ نفر از صحابه و اوصاف آن ها که حدیث غدیر را ذکر کرده اند آمده است. همچنین این حدیث از علمای اهل سنت نظیر سیوطی و ترمذی و ابن ماجه و فخر رازی و امام احمد حنبل (پیشوای فرقه حنبلی) و طبری و ... ذکر شده است که بیانگر قطعیت وقوع این حادثه است. در اینجا می خواهیم قسمتی از این حدیث مهم را بازگو کنیم: نبی مکرم اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) پس از ایراد بیاناتی در حمد و ستایش یزدان پاک و بیان اینکه ارتحال ایشان نزدیک است و اینکه ایشان دین را به طور کامل به امت رسانده و ... با مقدمه چینی

نصف پُرس شیش کباب!

افزایش تقریباً دو برابری قیمت غذای سلف سرویس در یک سال اخیر

«علیرضا عمرانزاده»

مقصر نیستند بلکه تک تک افراد جامعه در این افزایش نقش دارند و البته در مورد مسئله ی یاد شده بهتر است که دلیل را از نمایندگان دانشجوی خود در شوراهای صنفی سوال کنیم. همان کسانی که انتخاب شدند تا صدای رسای ما و پاسخ گوی سوالاتمان باشند. مسلماً هدف از رأی گیری و ایجاد این گونه نهادهای دانشجویی صرف هزینه های بی فایده و تلف کردن وقت دانشجویان نبوده است بلکه هدف آن بررسی مشکلات دانشجویان از دید خودشان و از طریق نمایندگانشان می باشد. موضوع دیگر آن است که علی رغم افزایش قیمت های متوالی هیچ تغییری در کیفیت غذا ایجاد نشده است. البته در هنگام نظارت بازرسان مسئول این بخش، تغییر چشم گیری در کیفیت غذا مشاهده می گردد. به طوری که همان گوجه های نیم پزی که به همراه کباب کوبیده سرو می شوند و می توان با آن ها تنیس بازی کرد به سادگی در دهان آب می شوند و ماست هایی که به ندرت به شکل یخکم و به طور یخ زده ارائه می گردند جای خود را به تازه ترین ماست موجود در بازار می دهند. همچنین سیستم اتوماسیون تغذیه که به منظور ثبت و رزرو کردن غذا، ایجاد شده است دارای مشکلات زیادی می باشد. به طوری که شرکت مسئول، برای تأمین امنیت آن استفاده از تنها یک نوع مرورگر مجاز ساخته است و اشتباهات متنوعی در این سیستم مشاهده می شود که عدم دسترسی راحت را می توان به آن ها افزود. البته آن چیزی که مسلم است این است که دانشگاه با داشتن راه های درآمدزای مختلف نظیر شهریه های گوناگون و دانشجویان بین الملل و غیره نیازی به افزایش قیمت غذای سلف سرویس ندارد. در نهایت از حق هم نمی توان گذشت و علی رغم مشکلات متعدد موجود، تصمیم گیری های هوشمندانه ای نیز در این امر شده است. که از بین آن ها می توان به این موارد اشاره کرد: نظارت های تغذیه ای و تأمین ویتامین و املاح مورد نیاز، رعایت حداکثری بهداشت و امکان داشتن انتخاب بین دو غذا در هر وعده. در نهایت آن چه واضح است این است که باید قیمت های مصوب در حدی باشد که بی بضاعت ترین دانشجوی دانشگاه نیز با مشکلی رو به رو نشود. امید است که دوستان و نمایندگان ما در شورای صنفی پیگیر این مشکلات باشند و نسبت به رفع و عدم تکرار آن اقدام کنند.

برای ارسال نظرات:

omranzadeha@gmail.com

شاید زمان اندکی از حل برخی بحران های کشور می گذرد که با حل آن ها انتظار می رفت ثباتی در قیمت برخی کالاها مشاهده شود. با این وجود باز هم شاهد افزایش قیمت غذای ارائه شده توسط سالن غذاخوری دانشگاه هستیم. البته خوب ممکن است بتوان افزایش قیمت قبلی غذا از ۵۰۰ تومان به ۸۰۰ تومان را نتیجه ی افزایش قیمت دلار دانست. اما هنوز هم نمی دانیم کدام جزء به کار رفته در غذای دانشگاه وابسته به قیمت دلار است یا شاید کارکنان این مرکز به دلیل بی ثباتی قیمت ها حقوق خود را به دلار دریافت می کنند. با این حال می دانیم که حداقل کاهوی به کار رفته به احتمال زیادی می تواند تولید داخل باشد چرا که قادر به تولید آب، کود شیمیایی و ... هستیم اگرچه کاهو هایی با نژاد و نام چینی نیز از قدیم پای ثابت بازار ایران بوده اند. اما آن چه مرا متحیر می سازد افزایش اخیر قیمت غذا از ۸۰۰ به ۹۵۰ تومان است؛ در حالی که در حدود یک ماه از حل بحران های نام برده می گذرد. اگرچه این افزایش قیمت ها ناچیز به نظر می رسند و در ظاهر می توان از آن ها چشم پوشی کرد اما این افزایش از سال گذشته تا به امروز چیزی در حدود دو برابر است و این در حالی است که نرخ وام های دانشجویی در این مدت هیچ تغییر نکرده است. مسلماً اگر تورومی در جامعه مشاهده شده که منجر به افزایش قیمت غذای سلف سرویس گشته است؛ چرا این تورم اثری بر افزایش میزان وام های دانشجویی نداشته است یا باعث افزایش حقوق اینترن ها و دستیاران تخصصی یا رزیدنت ها نشده است؟! این افزایش دو برابری غذا موجب کاهش دو برابری پس انداز دانشجویان شده است. این در حالی است که برخی از دانشگاه های دیگر همچنان از قیمت های مصوب قدیم پیروی می کنند. آن چه می دانیم این است که اگر این افزایش قیمت در سایر بخش های جامعه رخ می داد؛ شاهد افزایش قیمت در بخش های مختلف دیگر بودیم و این افزایش قیمت به بهانه ی عدم ثبات قیمت ارز در تمام بخش های جامعه مشاهده می شد که باز هم کاذب و غیر منطقی بود؛ چرا که بیشتر کالا های عادی و روزمره هیچ ارتباطی به نرخ ارز ندارند زیرا صد در صد تولید داخل اند. شاید باید این طور گفت که برخی نهادها و مسئولان باعث افزایش بی دلیل قیمت کالاها می شوند و این افزایش قیمت در تمام جامعه نفوذ می کند. در حقیقت کسانی که می خواهند تورم را کاهش دهند خود در حال دامن زدن به آن هستند. این موضوع از برخی از کارخانه های به ظاهر خصوصی شروع می شود تا بانک ها و سایر موسسات دیگر. البته تنها آن ها

لا إله إلا الله

الله
رسول
محمد

فرض) بوده اند؟؟ ثانیاً اگر معنای حدیث این باشد که حب علی(ع) حب من است آیا لازم قبول که رسول اکرم(ص) آن همه از حجاج را در یک جا گرد هم بیاورند؟؟ ثالثاً این گفتار پیامبر(ص) که ((الست اولی بکم من انفسکم؟)) تفسیر کننده کلام بعدی ایشان است. بنابراین ((مولی)) در حدیث رسول اکرم(ص) مترادف ((اولی)) است که پیامبر(ص) به عنوان مقدمه فرموده بودند و اگر اینطور نباشد جمله اول از جمله دوم جدا و بی ربط و فاقد محتوا بوده و از درجه بلاغت ساقط است.....

این چکیده ای بود از دیدگاه فقه جعفری پیرامون واقعه غدیر... اگر بخواهیم بر سبیل عدالت و حق جویی گام برداریم لازم است که دیدگاه برادران عزیز اهل سنتمان را نیز پیرامون این قضیه بدانیم تا یک طرفه به قاضی نرفته باشیم و همین جا از تک تک دوستان و عزیزان جان اهل سنتمان می خواهیم اگر مایل به ارایه نظر پیرامون بحث فوق هستند به ما مراجعه کنند..... و یا متنی در پاسخ به متن ما بنویسند تا در شماره آتی بی هیچ کم و کاست چاپ نماییم.

والسلام علی من اتبع الهدی

امروز بر تو گذشت در حالیکه مولای من و مولای هر مرد و زن مومن شدی. و نیز حسان بن ثابت با کسب اجازه از پیامبر اکرم(ص) شعری در این زمینه سرایید. اگر کسی با نفسی پاک و فکری خالی از تقلید کورکورانه در این حدیث و واقعه نظری بیافکند بلاشک متوجه اشاره صریح پیامبر(ص) به امامت علی(ع) خواهد شد. در این بین از مواردی که پس از ارتحال (و یا به قولی شهادت پیامبر) در مورد این واقعه بیان شد این بود که به دلیل جوانی ایشان بهتر است افراد پیر و با تجربه اداره امور را در دست بگیرند. در پاسخ به این شبهه باید گفت: ((علت آنکه در جوامع مدنی از افراد کهنسال استفاده می شود علم و تجربه بیشتر این افراد است. و گرنه کسی صرفاً به خاطر پیر بودن آن ها آنان را انتخاب نمی کند. حال آنکه رسول اکرم(ص) می فرمایند: ((انا مدینه العلم و علی بابها)).

اما مهم ترین دلیل برادران اهل سنت آن است که لفظ ((مولای)) در اینجا به معنی دوست است و حضرت رسول(ص) مردم را دعوت به دوستی علی(ع) کرده است. در پاسخ باید گفت بر فرض که همینطور باشد وقتی رسول اکرم دوستی با علی را معیار ایمان افراد بیان می کند سزاوار است که از میزان ایمان پیروی کنیم یا از دیگرانی که خود باید با این میزان تطابق یابند؟؟! به راستی کدام یک از صحابه کبار نبی اکرم(ص) چنین مورد توجه رسول خدا در دوستی(بر

زمینه بیان خلافت علی(ع) را فراهم می کنند و دست علی(ع) را بالا می برند و می فرمایند: ((یا ایها الناس من اولی بالمومنین من انفسهم؟)) ای مردم چه کسی بر اهل ایمان از خود آن ها سزاوارتر است؟... متفق القول گفتند: ((خدا و پیامبرش دانانترند)). سپس فرمودند: ((ان الله مولای و انا مولی المومنین و انا اولی بالمومنین من انفسهم! فمن كنت مولاه فعلى مولاه)) همانا مولای من خداست و من مولای مومنان هستم و بر ایشان از خودشان سزاوارترم. پس هر کس من مولای اویم علی مولای اوست. و این سخن را سه بار و به قول امام احمد حنبل در مسند معروف خویش چهار بار تکرار فرمودند. سپس دست به دعا گشودند و فرمودند: ((اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله و ادر الحق معه حيث دار الا فيبلغ الشاهد الغائب)) خداوند! دوست بدار آنکس که او را دوست دارد و دشمن بدار آنکس که او را دشمن بدارد و یاری فرما یاران او را و خوار گردان خوار کنندگان او را و او را معیار و میزان حق قرار ده. سپس افزودند: ((باید حاضران این امر را به غایبان برسانند)) و همانطور که در روایات متعدد شیعه و سنی آمده در پیشاپیش همه بیعت کنندگان جناب عمر به سوی امام علی(ع) رهسپار شد و گفت: ((بخ بخ لک یابن ابیطالب اصبحت و امسیت مولای و مولی کل مومن و مومنه)) آفرین بر تو ای پسر ابوطالب که

باتلاقی به نام سوریه

تنازعات بعثی ها با شاخه سوری جماعت اخوان المسلمین

« طاهای شرفیان

✽ به کمک فصل نامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۸

رژیم و کاهش قدرت سنی ها بود. هر چند سنی ها در ارگان های سیاسی پست های مهمی داشتند لیکن قدرت نظامی موثر در دست حافظ الاسد و خویشاوندان علوی او بود. (به عبارتی دیگر اخوان به دنبال پیدا کردن جایگاه و نفوذی در نظام حاکم سوریه بود.)

اولین مرحله جهاد اخوان در سال ۱۹۷۶ آغاز شد و مقامات و رهبران علوی ها راه هدف قرارداد. مرحله دیگر جهاد در ۱۹۷۹ با ترور ۳۹ دانشجوی علوی دانشکده افسری حلب و صلات بود که به دنبال آن حملات چشمگیری به مراکز حزب بعث و ساختمان های دولتی و مراکز پلیس صورت گرفت. در همان سال ترور نافرجام به جان حافظ الاسد صورت گرفت که به خوان المسلمین نسبت داده شد و سبب دستگیری و اعدام ده ها عضو اخوان شد. این کشمکش میان اخوان و دولت حافظ الاسد تا زمان مرگ او در سال ۲۰۰۰ ادامه یافت. لیکن اوج این کشمکش ها در زمان حافظ الاسد واقعه کشتار حماه بود که طی آن در سال ۱۹۸۲ اخوان پس از تسلط بر شهر حماه در غرب سوریه به شدت توسط جنگنده های ارتش بمباران شد و عده کثیری از مردم بیگناه (بالغ بر ۲۵۰۰۰ نفر و یا حتی بیشتر) به کام مرگ فرو رفتند و بدین سان افول و استضعاف اخوان تشدید شد و ...

اخوان به شدت سرکوب و رهبر آن (عصام العطار) تبعید گردید. حزب بعث به عنوان حزبی سکولار و پان عرب، خواهان جدایی دین از سیاست است و دخالت مذهب در اداره امور سیاسی و اجتماعی را بر نمی تابد. این منش سکولار در تمامی جریان ادامه داشته و حتی امروز حکومت سوریه به عنوان سکولارترین کشور عرب به شمار می رود. بالطبع اخوان المسلمین سوریه همواره نسبت به سکولاریسم حساس بوده و واکنش نشان داده است.

در سال ۱۹۷۳ به هنگام تدوین قانون اساسی غیر مذهبی توسط حافظ الاسد - رئیس جمهور سابق سوریه - شورش ها و تظاهرات وسیعی به رهبری اخوان در گرفت. اسد فوراً به اصلاح قانون اساسی پرداخت و مقرر شد رئیس جمهور باید مسلمان باشد. وی برای خنثی کردن انتقاد اسلامگرایان در سال بعد به حج عمره رفت و از آن به بعد همیشه در نماز های جمعه مساجد دمشق حضور داشت. در اواسط دهه ۱۹۷۰ «عدنان سعدالدین» رهبری اخوان المسلمین سوریه را به دست گرفت و چند مرحله بر ضد رژیم بعث جهاد کرد. علت این اقدامات نقش دولت سوریه در جنگ داخلی لبنان - فساد حکومتی - رشد تجارت مصرفی و تورم کشنده بود لیکن علت العلل مخالفت اخوان پیشرفت و نفوذ علویان (نصیری ها) در

در دو شماره قبل مختصری از فاجعه جاری در سوریه را به رشته تحریر درآوردیم و بار دیگر خلاصه ای از آن را بازگو می کنیم: نظام فعلی حاکم در سوریه که از اقلیت ۴ میلیونی علویان (فرقه نصیری باطنی) در بین جمعیت ۲۲ میلیونی سوریه است به دلایلی مخالفان و موافقان داخلی و خارجی دارد. لیکن از مهم ترین و شاخص ترین مخالفان داخلی نظام بعث سوریه به رهبری بشار حافظ الاسد - رئیس جمهور فعلی سوریه - تشکیلات اخوان المسلمین سوریه وابسته به دفتر مرکزی آن در مصر است که سابقه ی دیرینه ای از عداوت و دشمنی با نظام بعث دارد. شعبه سوری اخوان المسلمین در سال ۱۹۳۵ در شهر حلب توسط «مصطفی السیاعی» با پیروی از اخوان المسلمین مصر به منظور مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه و سرو سامان دادن به اوضاع نا به سامان اقتصادی و رفع مشکلات موجود میان جهان عرب از طریق احیای اسلام به وجود آمد و در این سال ها فراز و فرود های فراوانی داشته است. اساس تفکرات این جنبش مشابه نمونه مصری آن عبارتست از بازگشت به دین اسلام و پیاده کردن اسلام در همه ی ابعاد زندگی فردی - اجتماعی - سیاسی. تفکری که بسیار به تفکر و راه امام خمینی(ره) شباهت دارد. در این اثنا پس از کودتا و قدرت یافتن حزب بعث در مارس ۱۹۶۳

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی علوم پزشکی مشهد، پایگاه دانشکده پزشکی
مدیر مسئول: رضا اشعری / **سردبیر:** طاها شرفیان / **صفحه آرا:** آرمان معین راد
هیئت تحریریه: نفیسه رحمانی، عذرا رشیدنژاد، علیرضا پیوندی، طاها شرفیان،
 امیرمحمد طهماسبی، محمد ستوده، آرمان معین راد، علیرضا عمران زاده، امیررضا جوشنی و ...

ماهانمای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی
 بسیج دانشجویی پایگاه پزشکی
 شماره مجوز: ۴۵۴/ک/ش

به سبک دانشجوی

در اوکراین چه می گذرد؟

« امیرمحمد طهماسبی

و الصاق به فدراسیون روسیه رای مثبت دادند. موضع کشورمان در قبال حوادث اخیر اوکراین پشتیبانی و حمایت از تمامیت ارضی اوکراین بوده است. پس از این حوادث روسیه مورد تحریم کشور های اروپایی و آمریکا قرار گرفت و از گروه هشت اخراج شد. بعد از جدا شدن کریمه استان های شرقی دوتنسک و لوهانسک که دارای میزان قابل توجهی شهروند روس تبار در خود هستند و در همسایگی روسیه به سر می برند نیز با برگزاری همه پرسی رای به خودمختاری این دو استان داده پس از این حوادث در گیری های شدیدی میان ارتش اوکراین و جدایی طلبان طرفدار روسیه رخ داد که نتیجه آن کشته شدن نزدیک به ده هزار نفر و آواره شدن بیش از یک میلیون نفر است. بسیاری در گیری های اوکراین را به نوعی ادامه جنگ سرد و تقابل روسیه با تک قطبی شدن جهان می دانند. شاید بتوان مهمترین دلیل و در گیری و بحران اوکراین را دو دستگی و نا همگونی مردم شرق و غرب این کشور دانست که هر یک به سمتی تمایل دارند در حالی که اروپا و روسیه هر کدام به فکر منافع خود و شکست طرف مقابل می باشد و در این بین قریباً چیزی که برایشان اهمیت ندارد معیشت مردم اوکراین است.

اوکراین انتخابات را باطل اعلام کرده و با برگزاری مجدد انتخابات یوشچنکو با برتری شکننده به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. یانکویچ ۵ سال دیگر در سال ۲۰۰۹ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. پیش زمینه حوادث سال ۲۰۱۴ هم با عدم امضای یک قرارداد تجاری با اتحادیه اروپا و نزدیکی بیشتر به روسیه آغاز شد. اوج این اعتراضات تجمع هزاران نفری مردم در میدان اروپا شهر کیف پایتخت این کشور بود که مردم خواستار نزدیکی بیشتر با اتحادیه اروپا بودند. سرانجام با اشغال کاخ ریاست جمهوری اوکراین توسط معترضان و مردم در ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ پارلمان این کشور به برکناری ویکتور یانکویچ و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ۲۵ مه ۲۰۱۴ داد. بلافاصله روسیه که حیات خلوت خود یعنی اوکراین را ملتهب می دید به بهانه حفاظت از جان شهروندانش در شبه جزیره خودمختار کریمه در جنوب اوکراین با حمایت از نظامیان وابسته به خود کریمه را اشغال کرد. سپس با برگزاری رفراندومی بیش از ۹۶ درصد اهالی کریمه به جدایی از اوکراین

اوکراین سرزمینی است که با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی اعلام استقلال کرد و جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که استقلال آن را به رسمیت شناخت. مهمترین همسایه اوکراین فدراسیون روسیه می باشد. اوکراین پس از استقلال همانند سایر کشور های استقلال یافته از شوروی رکود اقتصادی وحشتناکی را تجربه کرد. با انتخاب لئونید کوچما در سال ۱۹۹۴ اوکراین دوباره در زمینه اقتصادی شروع به پیشرفت کرد و مناسبات اقتصادی و سیاسی با روسیه را بهبود بخشید و همچنین در خواست عضویت در اتحادیه اروپا را هم ارائه نمود که همین درخواست بعد ها باعث تشنج و درگیری در این کشور اروپایی شرقی شد. مساله مهم دیگری که در رابطه با اوکراین به ذهن می رسد انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ می باشد. در این سال ویکتور یانکویچ که در ادبیات سیاسی جهان به روس گرا مشهور بود توانست بر رقیب غربگرای خود یوشچنکو پیروز شود. اما با نافرمانی و اعتراض گسترده هواداران یوشچنکو مواجه شد و سرانجام دادگاه عالی

می خواهند شما را از آیینتان برگردانند، اگر ...

« نفیسه رحمانی

با روشی دیگر (جنگ نرم) توسط رسانه های غربی و شبکه های ماهواره ای دنبال شد که نتیجه آن را اکنون در جامعه می بینیم.

۲. **ولایز الون یقاتلونکم:** این نوع جنگ زائل نمی شود و همواره جریان دارد و این تداوم به معنای تدریجی بودن آن است. جنگ نرم در پی آن است که به تدریج هویت فرهنگی سیاسی جامعه را تغییر دهد و به دلیل همین تدریجی بودن ماندگار است. اگر تغییرات به طور ناگهانی اعمال شود همه در مقابل آن گارد می گیریم اما تغییرات تدریجی بر روی همه اقشار جامعه اثر می گذارد. این همان نظریه معروف «قورباغه آرام پز» است که در میان نظریه پردازان جنگ نرم می بینیم.

۳. **حتی یردوکم عن دینکم:** هدف نهایی جنگ نرم برگرداندن مؤمنان از دین است و در پی آن است که اصل و هویت جامعه را بگیرد و در واقع دشمنان به کمتر از این قانع نیستند. آنان به دنبال حذف آن چیزی هستند که باعث شده جامعه استوار و غیر قابل نفوذ باشد. چیزی که در مورد جامعه ایران در نظریات نظریه پردازان *soft war* از جمله دیوید آیزنهاور، مایکل روبین و ... این گونه بیان شده است: «شما این را بدانید که ایران اگر استوار است، بر عمود ولایت فقیه استوار است؛ اگر این عمود حذف شود به راحتی می توانیم بر جامعه ایران سیطره پیدا کنیم.» در پی این تفکر است که در اغتشاشات سال ۸۸ شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه شنیده می شد.

فتنه حتی از جنگ و کشتار هم بالاتر است و مشرکان جنگ با شما را رها نمی کنند تا شما را از آیینتان برگردانند (البته) اگر بتوانند

۱. **الفتنه اکبر من القتل:** فتنه یا همان جنگ نرم (*soft war*) به مراتب از جنگ سخت (*hard war*) مخرب تر و فساد انگیز تر است. زیرا با جنگ نرم می توان به اهدافی رسید که با تفنگ و گلوله و تانک و در میدان جنگ سخت غیر قابل دستیابی است. وقتی جنگی از نوع سخت و آشکار باشد افراد جامعه مورد هجوم قرار گرفته با تمام وجود در مقابل دشمن می ایستند، سینه سپر می کنند، برای دفاع از حیثیت خود تمام قوا و امکانات خود را به کار می گیرند و در این راه از جان خود هم می گذرند؛ اما در جنگ نرم نه دشمنی پیداست و نه میدان جنگی؛ افراد جامعه سر آسوده بر بالین می گذارند و در پی زندگی روزمره خویش اند. چون هیچ دشمنی رانمی بینند و نمی توانند متصور باشند طبیعتاً دفاعی هم نمی کنند. و عملاً جنگ نرم بدون مقاومت زیادی در مقابل خود به اهدافش دست می یابد. پس یکی از دلایل شدیدتر و مخرب تر بودن جنگ نرم پنهان و غیر محسوس بودن آن است.

مثالی که در این زمینه در تاریخ معاصر ما وجود دارد موضوع «حجاب» است. در ۱۷ دی ماه سال ۱۳۱۴ با صدور فرمان کشف حجاب توسط رضا شاه تمام زنان محجبه موظف بودند بدون چادر و روبند و روسری در انتظار عموم ظاهر شوند و هر کس از این دستور سرپیچی می کرد با واکنش شدید نیروهای امنیتی مواجه می شد. در واقع هدف کشف حجاب و روش «اعمال زور و جنگ سخت» بود. اما نتیجه این روش اعتراض شدید و مقاومت مردم بود به طوری که در مجموع این هدف محقق نشد. اما پس از انقلاب همین هدف این بار

لطفاً در جملات زیر تأمل بفرمایید!
 * مایکل روبین: تنها راه ورود به ایران رسانه است که حتی در زمان صلح هم زائل نمی شود.
 * نتانیاهو: تنها راه حمله به ایران رسانه است.
 * آیزنهاور: این افکار عمومی است که در جنگ پیروز می شود و رسانه ها می توانند حقایق را وارونه نشان دهند.

بله، صحبت از رسانه است؛ رسانه ای که ابزاری است در خدمت «جنگ نرم» ...

عملیات روانی، تهاجم فرهنگی یا همان جنگ نرم یکی از موثرترین روش هایی است که قدرت های بزرگ دنیا برای رسیدن به اهداف خود مورد استفاده قرار می دهند. روشی که در آن به جای استفاده از سلاح و زور، از تبلیغات و مدیریت افکار عمومی استفاده یا به عبارت بهتر سوء استفاده می شود. اما این روش که امروزه در دستورالعمل قدرت های بزرگ دنیا قرار دارد پیش از همه این هادر فرمان کریم تحت عنوان «فتنه» ذکر شده است که یومعنائی ایجاد محیط نامناسب برای گمراه کردن مردم و برگرداندن آن ها از دین است. بخشی از آیه ۲۱۷ سوره بقره به اهمیت و برخی ویژگی های این پدیده می پردازد و در مورد آن به مسلمانان هشدار می دهد.

الفتنه اکبر من القتل ولایز الون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا ۲۱۷ بقره